

ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی

حسن ذوالفقاری*

(تاریخ دریافت: 92/5/2، تاریخ پذیرش: 92/7/16)

چکیده

یکی از گونه‌های ادبی در ادب رسمی و فرهنگ مردم ایران چیستان است. چیستان نوعی تفنن ادبی است که جز کارکرد سرگرم‌کننده، جنبه‌های آموزشی و فرهنگی دیگری نیز دارد. این گونه ادبی در ادبیات محلی مناطق مختلف ایران از تنوع فراوانی برخوردار است و با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوکه، واگوشک، تشتانوک، چاچاک، چنچن، چوچه، چی‌چی‌کی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و نظایر آن شناخته می‌شود. در این مقاله به بررسی ابعاد ادبی و هنری و درون‌مایه‌های چیستان می‌پردازیم و ضمن شکل‌شناسی و ساختاریابی صوری و معنایی آن در مناطق مختلف، انواع و کارکردها و مضامین آن‌ها را بررسی و تحلیل می‌کنیم. گونه‌شناسی این نوع ادبی در فرهنگ عامه، ما را با تنوع در بهره‌گیری از اوقات فراغت و چگونگی آمادگی ذهنی و تربیت کودکان و جوانان برای ورود به عرصه زندگی آشنا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: چیستان، چیستان‌های محلی، انواع چیستان، فرهنگ عامه، ریخت‌شناسی.

* Zolfagari_hasan@yahoo.com

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

1. مقدمه

فرهنگ عامه شامل دو بخش کلی دانش عامه و ادب عامه است. فرهنگ عامه از یک سو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با ادبیات مرتبط است. آداب، معتقدات، جشن‌ها، باورها و مانند این‌ها به انسان‌شناسی، و افسانه‌ها، اسطوره‌ها، قصه‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، چیستان‌ها، امثال و حکم و مانند این‌ها به ادبیات مربوط است. هریک از اجزای فرهنگ عامه روحیات، خلیقات و آرزوهای هر ملتی را بازتاب می‌دهد و برگرفته از اعماق جامعه است. با بررسی و واکاوی فرهنگ عامه به مسائلی که در فرهنگ رسمی به‌آسانی شناسایی نمی‌شوند، پی می‌بریم؛ از همین رو تعبیر «فرهنگ غیررسمی» نیز برای آن به‌کارگرفته می‌شود. به همین دلیل، مطالعه هر جامعه‌ای آن‌گاه ثمربخش است و به نتیجه‌های کاربردی می‌انجامد که علاوه بر فرهنگ رسمی، فرهنگ غیررسمی را نیز دربرگیرد.

چیستان‌های محلی بخشی از ادبیات بومی مناطق مختلف ایران را تشکیل می‌دهند. در کنار چیستان‌های محلی، چیستان‌های ادبی نیز رواج داشته است. چیستان نوعی تفنن است که هم شکل ادبی دارد و هم شکل عامیانه. کارکرد اصلی آن سرگرم‌کنندگی است؛ اما جنبه‌های آموزشی و فرهنگی دیگری نیز دارد. این گونه در ادبیات محلی مناطق مختلف ایران با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوکه، واگوشک، تِشتانوک، چاچاک، چنچن، چوچه، چی‌چی‌کی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و نظایر آن شناخته می‌شود. درباره این گونه، تاکنون در مناطق مختلف ایران و گونه‌های آن تحقیقی انجام نشده است. هدف این مقاله ضمن شکل‌شناسی چیستان، شناسایی گونه‌های محلی آن نیز است.

2. پیشینه و روش تحقیق

در تمام کتاب‌های بلاغی، درباره این گونه - و نیز معما - ذیل صناعات معنوی مدخل‌ها و جستارهایی باز شده است. در فرهنگ عامه نیز ذیل کتاب‌های مردم‌نگاری بخش چیستان‌های محلی ضبط شده است. چندین مجموعه چیستان‌نامه نیز فراهم آمده است؛ مثل *چیستان‌نامه دزفولی* (امام اهوازی، 1379)، *چیستان‌های هرمزگان* (سعیدی، 1387) و *چیستان‌ها* (حیدریان، 1372). انجوی شیرازی (1384) در مقاله «ادب شفاهی و زبان‌آموزی به کودک در

فرهنگ مردم» به ابعاد تربیتی آن پرداخته و صوفی زاده (1994) به خصوصیت‌های آن (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان، دوشنبه)، همچنین، قزل ایلاغ (1385) در راهنمای بازی‌های ایران، از منظر نوعی بازی به آن پرداخته و هاشمی (1391) کاربرد‌های چیستان را در برنامه‌سازی رادیویی نشان داده است.

با وجود این تحقیقات، گستره چیستان‌های منظوم در فرهنگ عامه و مناطق مختلف ایران شناخته‌شده نیست و جنبه تازگی این مقاله در کنار شکل‌شناسی آن، همین نکته است. روش تحقیق در حوزه تعریف‌های کتابخانه‌ای و در بخش گونه‌های محلی میدانی است.

3. تعریف و تسمیه چیستان

نویسنده المعجم فی معاییر اشعار العجم در تعریف لغز یا چیستان می‌نویسد:

لغز آن است که معنی‌ای از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سؤال بپرسند و از این جهت در خراسان آن را «چیست آن» خوانند. این صفت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبی دارد به حشو الفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود، پسندیده باشد و تشحیذ خاطر بشاید (شمس قیس، 1360: 426).

کاشفی سبزواری در تعریف چیستان ویژگی‌های آن را روشن‌تر بیان می‌کند: «کلامی موزون است که دلالت کند بر عین شیئی از اشیاء، به ذکر خواص و لوازم و حصر صفات و سمات آن؛ دلالتی که در آن خفاییتی باشد.» (1369: 128). شمیسا با توجه به تعریف‌های قدما این تعریف امروزی و ساده را بیان می‌کند:

لغز یا چیستان آن است که نام چیزی را پوشیده دارند، اما با ذکر اوصاف آن از شنونده بخواهند که نام آن چیست. در لغز یا چیستان به جای ذکر اسم چیزی، اوصاف آن را بیان کنند و خواننده درضمن آن اوصاف به مورد وصف پی می‌برد. لغز ممکن است یک بیت یا یک شعر کامل باشد (1383: 177).

به عبارتی، طراح چیستان می‌کوشد با توصیف‌های شاعرانه، اجزای عناصر حسی و مادی یک پدیده را مطرح کند یا با معرفی برخی ویژگی‌هایش، مخاطب را برای شناسایی آن به تلاش و تکاپوی فکری وادارد. امام اهوایی با نگاهی به ساختار چیستان، آن را چنین تعریف می‌کند: «چیستان نوعی بیان زبانی با یک یا چند عنصر وصفی است که مرجع درست وصف‌ها

را می‌خواهد. اجزای عناصر وصفی برخی چیستان‌ها، گاه دوه‌دو با یکدیگر در تقابل هستند.» (1383: 28).

چیستان یا لغز در لغت به معنای سخن پوشیده است؛ زیرا این نوع سخن در زبان فارسی به صورت استفهامی بیان می‌شود و اغلب با کلمه مرکب «چیست آن» می‌آید که آن را در اصطلاح «چیستان» نامیده‌اند (داد، 1371: 108)؛ مثال:

چیست اندر دهان بی‌دندان‌ش هرچه افتاد ریزیز کند

چون زدی در دو چشم او انگشت در زمان هر دو گوش تیز کند (پاسخ: قیچی)

دلیل این نام‌گذاری هم این بوده که چیستان‌های منظوم اغلب با «چیست آن» آغاز می‌شده است: چیست آن درج زمردرنگ ناپیدادهان یا چیست آن قصر بی در و روزن.

لغز در عربی به معنای سوراخ موش است. همچنین، ادعیه و ادعوه به معنای چیستان، و مداعات به معنای «چیستان‌گفتن» است. احجیه مرادف ادعیه است و محاجات نیز همان چیستان است. این صنعت اگر با شیوایی الفاظ و ابتکار معانی توأم باشد، پیش اهل ادب بسیار مهم، گرانمایه و میدان هنرنمایی شاعران بزرگ است (همای، 1361: 335).

انجوی شیرازی در **فرهنگ جهانگیری** چیستان را همان لغز می‌داند و نام‌های پردک، چربک و گردک را برای آن ذکر می‌کند که به هندی پهللی گویند. محمد پادشاه در **فرهنگ آندراج** چیستان، لغز و معما را چنین معنا می‌کند:

چیستان بر وزن سیستان به معنای پرسیدنی باشد؛ مثلاً «چیست آن قصر بی در و روزن» و آن را به تازی لغز و احجیه گویند. لازم نیست که در اول آن چیست آن بوده باشد؛ بلکه به طریق سؤال نیز گفته می‌شود و آن را برد و بردک نیز گویند؛ یعنی پوشیده و در پرده و به ترکی بلهجه خوانند.

فرهنگ‌نویسان اسامی دیگری برای آن نوشته‌اند: **أحجیه** (پرسیدن)، **اغلو طه**، **ديسان**، **الغاز**، **مخائبه**، **پُرد** و **آجاجه** (رک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل «چیستان»).

گاهی چیستان را با معما یکی دانسته‌اند. در گذشته، معما را به نوعی صفت بدیعی اطلاق می‌کردند که با چیستان کم‌وبیش تفاوت داشت. صاحب **المعجم** معما را «اسمی یا معنایی» می‌داند که:

به نوعی غوامض حساب یا به چیزی از قلب و تصحیف و غیر آن از انواع تعمیم آن را پوشیده گردانند تا جز به اندیشه‌ای تمام و فکر بسیار به سر آن نتوان رسید و بر حقیقت آن اطلاع نتوان یافت (شمس قیس، 1360: 426).

پاسخ دادن به معما به دلیل ساخت و ترکیب پیچیده و غامضش، بیش از لغز یا چیستان به اندیشیدن نیاز داشت؛ از این رو به تعبیر درست یوسفی، چیستان و معما از یک نوع‌اند، جز اینکه چیستان بیشتر به شکل پرسش طرح می‌شود. به ظاهر، چیستان که نخست صورتی به نسبت ساده و آسان فهم داشته، به تدریج دشوار و پیچیده شده و به صورت معما درآمد است. شاید هم چیستان و معما به موازات هم پدید آمده باشند؛ چنان‌که به موازات یکدیگر رواج داشته‌اند (یوسفی، 1372: 114). بین معما و چیستان تفاوت بسیار است. در معما به گونه‌ای حروف قافیه و صناعات شعری لازم نیست، معما همیشه پیچیده‌تر از چیستان است و به آگاهی‌های ژرف از شگردهای ادبی نیاز دارد؛ اما چیستان درعین سادگی پرسشی را بیان می‌کند (حیدریان، 1372: 17). مثال برای معما:

گر بخواهی نام آن زیبارخ سیمین بدن
رو تو قلب قلب را بر قلب قلب زن
مقلوب کلمه قلب که بلق است، چون بر مقلوب حرف وسط کلمه قلب یعنی لام که به حساب
ابجد سی و مقلوب آن یس است بیوندد، بلقیس می‌شود. در کتاب‌های ستی معما را در شمار
صنایع بدیع معنوی آورده‌اند (همای، 1361: 343).

4. تاریخچه چیستان

از فرهنگ ایران باستان چیستان‌هایی به صورت مکتوب به ما است؛ از جمله رساله‌ای به نام «یوشت فریایان و اخت» مربوط به اواخر دوره ساسانی. در این رساله، اخت جادوگر به بهانه سرکوب مردمان شهری که به گونه‌ای نمادین «شهر حل‌کننده معما» نامیده می‌شدند، چیستان‌هایی برای مردم مطرح می‌کرد و کسانی را که نمی‌توانستند پاسخ بگویند، می‌کشت. سرانجام، نوجوانی پانزده ساله به نام یوشت به چیستان‌های او پاسخ می‌دهد. نمونه‌هایی از چیستان‌های اخت به این شرح است: بهشت دنیا بهتر است یا بهشت مینو؟ کارد کوتاه بهتر است یا خورش اندک؟ پر چیست؟ نیم‌پر چیست؟ چیست که هرگز پر نگردد؟ چه چیز است که مردم خواهند پنهان کنند و نتوانند؟ و ... یوشت به همه این سؤال‌ها پاسخ درست می‌دهد؛

اما از دانستن پاسخ چیستان آخری عاجز می ماند و بی آنکه به عجز خود اعتراف کند، به بهانه ای بیرون می رود و چون از ناهید مدد خواسته بود، پیک یزدان، فرشته نرسی، (نیریوسنگ) جواب چیستان را به او می آموزاند و او در آزمون پیروز می شود. درمقابل، یوشت سه سؤال از آخت می پرسد. آخت پاسخ این سؤال ها را نمی داند و به عجز خود اعتراف می کند و یوشت او را می کشد (یشت ها به نقل از شعور، 1367).

چیستان از همان آغاز سرایش شعر فارسی و در دیوان عنصری و منوچهری با عنوان لغز و معما دیده می شود. منوچهری دامغانی نه به قصد چیستان سازی، بلکه با ایده گرفتن از چیستان، قصیده معروف «لغز شمع» را سرود:

ای نهاده بر میان فرق جان خویشتن جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن
(دیوان، 70)

چیستان و معما در دیوان اغلب شاعران دیده می شود؛ ولی ابن یمین بیش از همه به آن توجه داشت. در دوره صفویه، معماگویی چنان رواج یافت که شاعرانی با تخلص «معمایی» کتاب ها نوشتند (ر.ک: میرصادقی، 1373: 247). گاه این شاعران معماگویی را بدانجا رساندند که جز شاعر کسی را یارای پاسخ نبود؛ از این رو استاد همایی (1363: 343) معتقد است شاعرانی مدت دو سه قرن در این کار بیهوده عمرها تباه کردند. در عهد تیموریان، معماسرایی چنان اوج گرفت که به نوشته علیشر نوایی در *مجالس النفایس*، در روزگار او (قرن نهم هجری) 82 نفر معماسرا بودند که جز معماسرایی کاری نداشتند و گروهی نیز چنان غرق این کار بودند که به معمایی معروف شدند؛ مثل میرحسین معمایی، شهاب الدین معمایی، مولانا محمد معمایی و دیگران. در این دوره تألیفات زیادی درباره معما نوشته شد؛ چنان که فقط جامی هفت رساله در این باب نگاشت (هادی، 1388: 3/ 620).

5. نام چیستان در مناطق مختلف

چیستان های منظوم در هر نقطه از ایران و مناطق فارسی زبان به نامی خوانده می شود.

شماره	نام	منطقه	توضیح، منبع	نمونه
1.	بر	میناب	(سعیدی، 1387: 17)	
2.	تاپماجالار	آذربایجان	طرح چیستان به صورت دوره‌ای است؛ هرکس جواب چیستان را پیدا کند، چیستانی جدید می‌گوید (سفیدگر، 1385: 52).	او چوندا وار قارا خال، ساپلاغی گزی رنگی آل (پاسخ: لاله). ترجمه: کف دستش خال دارد/ ساقه‌اش سبز است و خودش قرمز.
3.	تشتانوک	کُردی کرمانجی	با جمله «ته‌وه چیه؟» شروع می‌شود یا خاتمه می‌یابد.	
4.	چاچا	بلوچستان	بیشتر نام اشیاء و پدیده‌های طبیعی است (میربلوچزایی، 1382: 150).	
5.	چاچاک	زاهدان		چیزچیز: وَ او مَزَنی مِشکَن وَ کوه مَزَنی نُمِشکَن؟ (پاسخ: کاغذ) ترجمه: اون چیه به آب می‌زنی می‌شکند ولی به کوه می‌زنی نمی‌شکند؟
6.	چاوچه	کرمانشاه	نوعی بازی است. یک نفر ویژگی‌های چیزی را بیان می‌کند و فرد مقابل باید نام آن را بگوید (فرزایلاغ، 1379: 460).	
7.	چنچن	فین بندرعباس		
8.	چنه چنه	بختیاری و ماهشهر	(قنبری عدیوی، 1385: 51)	چنه چنه؟ به روز اگرده گردلی، به شو اگرده گردلی، مندن نداره گردلی؟ (پاسخ: آسیاب آبی)
9.	چوچه	ایلام		
10.	چی چی کا	هرمزگان		هشت پا و دو سر زمین اکُنت زیر و زُتر.
11.	چی چیکی چیکی چیکی	لری		
12.	چیزچیزک	بیرجند	به اوچنیه و چنه (چیست) هم معروف است (زنگویی، 1390).	چیزچیزک، چنه که به سنگ زند نشکند، به آب زند بشکند؟ (پاسخ: کاغذ)
13.	چیکه چیکه	لرستان	(رضایی نورآبادی، 1372: 125)	
14.	چی نه چی نه	لرستان لکی	(شادابی، 1377: 119)	مردم وری تن مپوشن برگی او برگ تن پوش‌ها و توو جرگی (پاسخ: شمع). ترجمه: مردم بر تنشان لباس می‌پوشند اما تن‌پوش از بدنش است.

15.	شُگ / شُگِ می‌یافتگی	بخارا	(صوفی‌زاده، 1394: 36)	
16.	شیه‌شیه	ملایر	(رسولی، 1378: 259)	شیه‌شیه اتاق شسته رفته، پُرش گل میخ کوفته.
17.	غَوَسْک	بدخشان	(صوفی‌زاده، 1394: 36)	
18.	فال‌گوشک	سروستان	با جمله چی‌چیه آغاز می‌شود (همایونی، 1371: 380).	حوض بلور دختر مست افتاد زمین و بشکست (پاسخ: آینه).
19.	قرضی	هرات		
20.	ماتال‌لار	ترکمن‌ها	ترکمن‌ها با این چیستان‌ها مشاعره می‌کردند (دیه‌جی، 1379: 94).	ایکی قولاق باشیندا، اون اوچ قوشاق بیلیندا، خلاق لر داشیندا، شادی، خرم دیلیندا (پاسخ: دوتار).
21.	مانی	غزنی افغانستان		
22.	مَنَل / مَنَلِ می‌یافتگی	تاجیکان خجند و سمرقند	(صوفی‌زاده، 1394: 36)	
23.	مَنلوکه	سورانی		
24.	متله	کردی	(شرف‌کندی، 1369: 822)	
25.	مسئله	هزاره بدخشان	معمولاً با جمله پرسشی (ای چیه، یا اون چیه) شروع می‌شود.	سبک سختی که صد من بار داره خودش بی‌جان و بارش جان داره (پاسخ: نعل اسب).
26.	معما	مازندران، کرمان، خور و بیابانک و قم	(جعفری قنوازی، 1392)	
27.	مملوک	کردی	(شرف‌کندی، 1369: 822)	
28.	واگوشک	شیراز	(بهروزی، 1377: 129)	آهو به چرا، بچه آهو به چرا آهو بچرید و بچرانید گله را آهو چو بدید آن سوار یله را آهو برمید و برمانید گله را (پاسخ: ستاره و ماه که با خورشید محو می‌شوند).
29.	یافتَنک	کولاب، غَرم درواز، حصار	(صوفی‌زاده، 1394: 36)	
30.	یچی‌مچی	تنکابن	(خلعتبری، 1387: 48)	سیاهه خوده قیر، سفیده خوده شیر، وی سر آغوز مانه، وی دم علم مانه (پاسخ: کشکرک / زاغی).

6. ویژگی‌های چیستان

1- 6. نداشتن سازنده مشخص

چیستان‌ها از ادبیات شفاهی مردم سرچشمه گرفته‌اند و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شوند. سازندگان چیستان‌ها مانند گویندگان دیگر عناصر فرهنگ مردم، ناشناخته‌اند و مانند گونه‌های دیگر ادبیات شفاهی، خالقان گمنام دارند. سازندگان خوش‌ذوق این چیستان‌ها استعداد بسیار زیادی داشته‌اند تا جایی که به‌نظر می‌آید از فنون مختلف شاعری آگاه بوده‌اند؛ زیرا در برخی چیستان‌ها ایجاز، تصویرسازی، هماهنگی و بار عاطفی و فلسفی بسیار هنرمندانه به‌کار رفته است (احمدپناهی سمنانی، 1376: 144).

2- 6. کوتاهی

چیستان‌ها اغلب یک یا دو و به‌ندرت چند گزاره خبری یا پرسشی کوتاه به نظم یا نثر هستند. بلندی آن جز آنکه موجب حشو و اطناب است، نقض غرض نیز هست؛ زیرا در کوتاه‌ترین گزاره باید به پاسخ رسید. ایجاز چیستان باعث می‌شود به مقولات ادبی نزدیک شود. در این چیستان به‌اختصار اطلاعات اولیه در اختیار پرسش‌شونده قرار می‌گیرد:

عجایب لعبتی زرد است و بی‌جان دو اسم زنده دارد از دو حیوان؟ (پاسخ: خربزه)

3- 6. سادگی

چیستان‌ها ساختاری ساده دارند که با بهره‌گیری از عناصر پیرامونی و با توجه به اطلاعات پایه پرسش‌شونده ساخته می‌شوند: شاهی، سرراهی، کلاهش مخمل و تاجش طلایی.

4- 6. روایت‌های مختلف

تنوع چیستان‌ها در مناطق مختلف و فرهنگ‌ها نشان از زنده بودن و کارکردهای زیاد این قالب دارد. برای یک موضوع یا مورد ده‌ها چیستان در سراسر ایران ساخته شده که هریک به جزئی از اجرا و خواص آن اشاره دارد؛ درمثل برای تخم‌مرغ این چیستان‌ها در مناطق مختلف ایران ساخته شده است:

فارسی: استخوانم نقره و اندر میان دارم طلا هرکه این معنی بداند پیر استاد فن است
لری: هه کاکان رنگی، مه کاکان رنگی حلقه داسیه دور دریا دورنگی
لکی: حونه [خانه] پاتشا، بی درز و دوز.
لکی: نه در دارد و نه گوشه، از میان دل می جوشد.
دارابی: سار قوطی، سالار قوطی، عسل و روغن توی یه قوطی، اون چی چیه که روش
نقرس، زیرش طلا؟
شیرازی: ننه/م حقه/م داد، حقه سر نقره/م داد می تونم درش رو باز کنم، نمی تونم انو ببندم.
هزاره‌ای: دی به دی یخ نمی زند، چله به دی یخ نمی زند، لب روشنی یخ می زنه؛ اشیشه و
مشیشه، آقا خوابیده دراز و باریک؛ کاسه چینی، آیش دورنگه، درون او پر از بچه!
حتی با یک ساخت برای هر چیستان روایت‌های متفاوتی در مناطق مختلف دیده می شود؛
مثل چیستان‌هایی که با یک ساخت برای انار ساخته اند:
روایت تهرانی: سه دکان دوش به دوش، اولی طاقچه فروش، دومی اطلسی فروش، سومی
مشک فروش.
روایت دامغانی: سه دکان تودرتو، اولی چرم فروش، دومی پرده فروش، سومی یاقوت فروش.
گاه همین چیستان را برای معرفی شیئی دیگر استفاده می کنند: دو دکان دوش به دوش، هر
دوتا نقره فروش (پاسخ: بینی).
روایت شیرازی: سه دکان توبه تو، اولی تافته فروش، دومی آرد فروش، سومی چوب فروش
(پاسخ: سنجد).

5-6. گوناگونی مخاطبان

چیستان‌ها را اغلب برای کودکان می سازند و گویا از ابتدا برای تشخیص ذهن و تربیت و
آموزش کودکان بنا شده است؛ اما در زمان‌های گوناگون در شب‌نشینی‌ها و جشن‌های
خانوادگی جزئی از سرگرمی‌های مردم بوده است؛ حتی در مجالس بزرگان و دربارها نیز
رواج داشته است.

6-6. همسویی با فرهنگ و اقلیم سازندگان

چیستان‌ها برخاسته از نگرش‌های اجتماعی و باورهای مردمی و قومی درباره پدیده‌های زندگی‌شان است و رفتار مردم، آرزوها، اندیشه‌ها و خواسته‌های آنان را بازتاب می‌دهد. چیستان‌ها با توجه به طبیعت و فرهنگ مردم هر منطقه شکل گرفته است که مردم آن منطقه با آن سروکار دارند و کم‌وبیش آن را می‌شناسند؛ برای مثال چیستان زردم، زردآلو نیم، گرمم شفتالو نیم، در باغ حسن خانم، خوراک بزرگانم، برای مردم مناطقی از خراسان جنوبی، ملموس‌تر و آشنا تر است تا مناطقی که با این ماده سروکار ندارند و از قرینه‌های زردی، گرمی، باغ حسن‌خان و خوراک بزرگان بودن، می‌توانند به آسانی آن را شناسایی کنند و بگویند «زعفران» است.

7-6. بازتولید شکل‌های تازه

در کنار چیستان‌های قدیم، چیستان‌های جدید تولید می‌شود:

بگو آن چیست از انواع بنشن	که فسفر دارد و سولفور و آهن
گاهی در آتش و گاهی در برنج است	گاهی تنها و با یک ذره روغن

(پاسخ: عدس)

8-6. خلاقیت

چیستان‌ها خصلتی نوآورانه و آفرینشگر دارند و همان‌گونه که پاسخ به آن نیازمند اندیشه و نوآوری است، طراحی آن نیز خلاقیت می‌خواهد.

7. جنبه‌های ادبی چیستان

1-7. وزن

وزن چیستان‌های منظوم محلی اغلب عروضی است؛ مثل:

عجایب صنعتی دیدم در این دشت	که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت
-----------------------------	---------------------------------

(پاسخ: دو سنگ آسیا)

جالب است که با همین وزن و شکل ده‌ها چیستان ساخته شده است:

عجایب صنعتی دیدم در این دشت که آتش در میان آب می‌گشت
(پاسخ: سماور)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت سرش را می‌بریدم زنده می‌گشت
(پاسخ: چراغی که با روغن کرچک می‌سوزد و سر فتیله‌اش را برمی‌دارند تا شعله‌اش زیاد شود.)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت که بی‌جان در پی جاندار می‌گشت
(پاسخ: گلوله تفنگ)

عجایب صنعتی دیدم در این پل که آب در زیر آتش می‌زند قل
(پاسخ: قلیان)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت درخت پرگلی بی‌سایه می‌گشت
(پاسخ: آسمان)

گاه وزن چیستان‌ها هجایی است که با کشش در خواندن کامل می‌شود؛ مثل:
از اینجا تا به کاشان، همه فلفل پاشان همه دستمال آبی، پر از سیب و گلابی
(پاسخ: آسمان پرستاره)

2-7. قالب

چیستان‌ها یا منظوم است یا منثور و معمولاً عبارت‌های کوتاه، تک‌جمله‌ای یا چندجمله‌ای و تک‌بیتی یا دوبیتی است.

1-2-7. چیستان‌های منثور

چیستان‌های تک‌پاره‌ای: /اون چیه که همه دارن (پاسخ: نام).
چیستان‌های دوپاره‌ای: کاسه چینی، آبش دورنگه (پاسخ: تخم مرغ). سفره آبی، پر از گلابی
(پاسخ: آسمان و ستاره‌ها).
چیستان‌های چندپاره‌ای: زرد است، زردآلو نیست، گرد است گردو نیست. شیر است درنده
نیست، شمشیر است برنده نیست (پاسخ: سکه).

چیستان‌های زنجیره‌ای: گاه چیستان‌ها دنباله‌دارند و هربار بر شگفتی پرسش‌شونده می‌افزایند:

آن کدام یک است که دو نمی‌شود؟ (پاسخ: خدا)

آن کدام دو است که سه نمی‌شود؟ (پاسخ: شب و روز)

آن کدام سه است که چهار نمی‌شود؟ (پاسخ: ماه‌های فصل و ضلع‌های مثلث)

آن کدام چهار است که پنج نمی‌شود؟ (پاسخ: چهار فصل)

آن کدام پنج است که شش نمی‌شود؟ (پاسخ: پنجه دست و پا)

آن کدام شش است که هفت نمی‌شود؟ (پاسخ: شش دانه هرچیز)

آن کدام هفت است که هشت نمی‌شود؟ (پاسخ: هفت طبقه آسمان و ایام هفته)

آن کدام هشت است که نه نمی‌شود؟ (پاسخ: هشت پا)

آن کدام نه است که ده نمی‌شود؟ (پاسخ: اعداد یکرقمی)

آن کدام ده است که یازده نمی‌شود؟ (پاسخ: انگشتان دست و دهگان)

چیستان‌های داستانی: سؤال این چیستان‌ها در قالب قصه است. نمونه آن از ولایت فرخار افغانستان است که خلاصه‌اش چنین است:

ملا، نجار و خیاطی سفر می‌کردند. شب به دهی رسیدند و قرار شد یکی نگهبانی دهد. قرعه به نام نجار افتاد و آن دو خوابیدند. چشم نجار به چوب بزرگی افتاد. پیش خود فکر کرد با چوب یک دخترک بسیار زیبا بتراشد تا خوابش نبرد. وقتی کارش تمام شد، خیاط را بیدار کرد و خودش خوابید. خیاط دید دخترک چوبی نزدیکش ایستاده است. او هم برای آنکه خوابش نبرد، پیراهنی دوخت و به تن دخترک کرد. سپس ملا را بیدار کرد و خودش خوابید. ملا دید دخترک چوبی زیبایی جلوی‌اش ایستاده است. با خودش گفت: اگر جان می‌داشت خوب بود. دعا کرد تا خداوند دخترک را زنده کرد. حال شما بگویید دختر از نجار میشه یا از خیاط یا از ملا؟ (یاسین، 1370). هرکس باید با دلیل، تعلق دختر را به یکی از سه تن اثبات کند.

7-2-2. چیستان‌های منظوم

تک‌بیتی: از کوه به در آمد شاه غضنفر چشمون سیاه، دو گنده بر سر

(پاسخ: قوچ کوهی)

- عجایب صنعتی دیدم درین دشت درخت بی گلی، پُرمیوه می گشت
(پاسخ: انجیر)
- ازکوه به درآمد شیر غران زانو بزد و زمین بدران
(پاسخ: صاعقه)
- دویتی: عجایب صنعتی دیدم شترسُم سوار مرکب بی یال و بی دُم
کند غلغل همان جایی که برپاست ولی از جای خود، کم می خورد جُم
(پاسخ: سماور)

3-7. جنبه های بلاغی

- ساختار چیستان ها به لحاظ ادبی، مملو از صناعات بدیعی و بیانی است:
تشبیه: تشبیهات عالی و ملموس اساس چیستان است:
آن چه مرغی است تا اوج هوا رهسپر است پرنیان پیکر و آهن دل و فولاد پر است؟
(پاسخ: هواپیما)
- چیست آن لعبت پسندیده سرخ و سبز و سپید پوشیده
در میان دو کاسه چوبین با دو صد احترام خوابیده؟
(پاسخ: پسته)
- استعاره: چیستان ها در ذات خود برای داشتن ویژگی معماگونه گی حاوی استعاره های دلنشین اند: پیرمرد لرزان، به دور خود گردان (پاسخ: دوک). پیرمرد لرزان استعاره از دوک است که با یک نشانه معرفی می شود: به دور خود گردان بودن.
- تکرار: در برخی چیستان ها بازی های زبانی، از جمله تکرار کلمات هم آوا و دشوار بر لطف آن می افزاید:
- جعفری دیدم که بر جعفر نشست جعفری می خورد و از جعفر گذشت
جعفر اول اسم خاص، جعفر دوم به معنای شتر ماده، جعفری هم به معنای سبزی خوردنی و جعفر چهارم به معنای پل است.
- تناقض: ساخت برخی چیستان ها با تناقض (پارادوکس) همراه است. گاه عناصر وصفی با یکدیگر ناسازگارند؛ برای مثال در چیستان سنگین است، وزن ندارد؛ رنگین است، رنگ ندارد؛ شیرین است، مزه

ندارد (پاسخ: خواب)، شش عنصر وصفی هست که عناصرشان با هم در تقابل و ناسازگارند؛ یعنی عناصر وصفی «وزن ندارد»، «رنگ ندارد» و «مزه ندارد» با «سنگین»، «رنگین» و «شیرین» در تقابل است؛ به این معنا که صفات «سنگینی»، «رنگینی» و «شیرینی» را رد و انکار می‌کنند.

8. انواع چیستان

1- 8. از نظر زبان و بیان

- چیستان‌های ادبی: شاعران آن‌ها را سروده‌اند، سپس سینه‌به‌سینه به ما رسیده است. این چیستان‌ها نسبتاً پیچیده‌تر و فاخرتر از شکل عامیانه هستند و در قالب وزن‌های عروضی و به نظم سروده شده‌اند. چیستان‌های ادبی گاه چند بیت است و نسبت به شکل عامیانه بلندتر؛ مانند این بیت در «لُغز شمع»:

آن چیست که در انجمنش جا باشد خورشید عذار و سروبالا باشد
جانش نبود ولی بمیرد هر روز این طرفه که بنشسته و برپا باشد

(ملا احمد سراج سبزواری)

- چیستان‌های عامیانه و محلی: در فرهنگ مردم ریشه دارد و سینه‌به‌سینه نقل شده، سپس به شعر درآمده است. این چیستان‌ها ساده، عامه‌فهم و کوتاه است. وزن آن نیز لزوماً عروضی نیست؛ مانند این چیستان بختیاری دربارهٔ لیمو: آن چیست هفت برادر در یک قبا، معجزه‌اش کار خدا؟ (حیدریان، 1372: 184).

2- 8. به لحاظ ساختار

هر چیستان سه بخش دارد: یک یا چند موضوع، شرح یا تفسیر یا خبری دربارهٔ آن و پاسخ. در چیستان *چهل تا عروس* در یک خانه، *چهل تا عروس* «موضوع» و «تو یک خانه» خبر یا تفسیر آن است و «قوطی کبریت» پاسخ. پاسخ چیستان‌ها اغلب یک کلمه یا به‌ندرت همراه شرحی کوتاه است؛ مثل *صبح چارپا*، *چاشت دوپا*، *عصری با سه پا* راه میره (پاسخ: آدمیزاد). آدم در کودکی (صبح زندگی) با چهار دست و پا راه می‌رود، در میان‌سالی و جوانی روی دو پا و در پیری با عصا و دو پایش.

اما پاسخ بعضی چیستان‌های منظوم به‌نظم است:

بلعجایب‌ها که من در کار یزدان دیده‌ام	در میان فندق دریای عمان دیده‌ام
اژدری دیدم به حقه همنشین بلبل	گرگ و بره هردو را همراه چوپان دیده‌ام
چارصد چاکر بدیدم با چهارصد چهل دیگر	جمله در فرمان به پای تخت سلطان دیده‌ام
کاسه‌ای دیدم نگون در کاسه چون کردم نگاه	هفت دریا منقسم در کاسه پنهان دیده‌ام
مردمان بینند روز روشنش شب‌های تار	من شب تاری میان روز روشن دیده‌ام
پاسخ: صد هزاران مرغ دیدم آشیانه بر غنچه‌ای	می‌پرید اندر هوا بی‌جسم و بی‌جان دیده‌ام

صورت چیستان‌ها (موضوع و شرح) به‌لحاظ ساختار دو دسته است:

- چیستان‌های سؤالی: جمله‌ای سؤالی است و در آغاز یا پایان آن واژه‌های پرسشی «آن چیست؟»، «آن چیه؟» یا مانند آن می‌آید؛ مثل:

آن چیست که دهن هزار دارد	در هر دهنی دو مار دارد
خاتونی نشسته در کنارش	آن همه دهن به کار دارد

(پاسخ: دستگاه قالی‌بافی)

آن چیست که خود ریسد و خود بافد جامه

خود جامه همی‌بافد او باشد عریان؟

(پاسخ: عنکبوت)

- چیستان‌های خبری: جمله‌هایی خبری هستند؛ مثل:

تخته‌سنگ کهربا، نه در زمین نه در هوا (پاسخ: دنبه میش)

از اون بالا میا یک گله‌دختر همه چادر سفید قوم کلانتر! (پاسخ: دسته کبوتر)

9. کارکردهای چیستان

چیستان‌ها کارکردها، نتایج و اهداف خاصی دارند:

1-9. آموزشی و تربیتی

هدف سازندگان چیستان‌ها آشنایی مخاطبان با اشیای پیرامون بود و نیز برآن بودند با دادن برخی مشخصات، نکاتی از قبیل مطالب اجتماعی و خانوادگی را به شنوندگان القا کنند. تمام

هماهنگی‌ها و تناسب‌ها، تفاوت‌ها و ناسازگاری‌ها توجه پرسش‌شونده را به خود جلب می‌کند و غیرمستقیم آموزش می‌بیند یا مفاهیم را درونی می‌کند.

2-9. تحریک حس کنجکاوی

چیستان‌ها در حدّت و تحریک ذهن بسیار مؤثرند. امروزه، از آن برای مسابقهٔ هوش، تقویت حافظه، بالا بردن تمرکز و دقت حواس و افزایش اطلاعات عمومی استفاده می‌شود. در تمام تعریف‌ها نیز بر این کارکرد چیستان تأکید کرده و آن را موجب تیزی ذهن دانسته‌اند. جوامع چیستان‌ساز و چیستان‌گو سؤال‌مدار و اهل جست‌وجو و تحقیق‌اند.

3-9. ایجاد سرگرمی و بازی

در جوامعی که سرگرمی‌ها به کنش‌های کلامی منحصر می‌شد، چیستان‌گویی تفریحی سالم بود. چیستان یک نوع بازی هوشی است و یکی از سالم‌ترین راه‌ها برای گذراندن اوقات فراغت همه به‌خصوص کودکان به‌شمار می‌رود. بازی‌کنان می‌بایست با توجه به راهنمایی‌هایی که به آن‌ها می‌شود و با توجه به اشارات و کنایاتی که در متن چیستان ذکر می‌شود، جواب سؤال را بگویند (بهروزی، 1377: 132).

چیستان در شب‌نشینی‌های خانوادگی شکل بازی دارد. در این بازی عده‌ای دور یک نفر، مثلاً پدربزرگ یا پدر یا فردی دیگر جمع می‌شوند. پرسنده با زمینه‌سازی و قول جایزه سؤال خود را طرح می‌کند. در این زمان، بچه‌ها سراپاگوش و دقت می‌شوند تا هرکس براساس تجربه‌های ذهنی و شناخت خود از پدیده‌های اطراف، پاسخ را زودتر بیابد. همهٔ مخاطبان به تلاش و گفت‌وگو می‌پردازند. عده‌ای هم برای بیان نظر تازه می‌کوشند یا برای شنیدن نظر استاد و ختم کلام بی‌حوصلگی نشان می‌دهند تا سرانجام یکی بگوید و جایزه را ببرد.

4-9. رقابت‌های مثبت و پرورش روحیهٔ حاضر جوابی

امتیاز چیستان‌ها در مقایسه با دیگر عناصر فرهنگ مردم، در کارکرد آن‌هاست که گوینده می‌کوشد با ایجاد فضایی پرشور و نشاط، موضوعی را مطرح کند تا مخاطبان با اظهارنظرهای

مختلف، به نقطه قوت و پاسخ چیستان دست یابند. چیستان برای آزمایش طبع شعری نیز بوده؛ چنان که رادویانی در ترجمان/البلاغه به این موضوع اشاره کرده است: «دیگر از جمله صنعت لغز گفتن است و آن خوشست بر امتحان طبع و آزمودن خاطر.» (1949: 189). شمس قیس هم (1360: 427) بر این کارکرد تأکید دارد.

5-9. تبیین جهان بینی و گرایش های انسانی

چیستان ها که درواقع نمایانگر جهان بینی مردم هستند، دارای معانی متعدد و لطیفی اند و در آن ها از آرزوها، گرایش ها، افکار، آداب و رسوم و شیوه زندگی سخن رفته است؛ به ویژه برای تحریک ذوق و حس کنجکاوی کودکان بسیار مؤثر است و موجب تقویت هوش و استعداد می شود (احمدپناهی سمنانی، 1376: 131).

6-9. آزمایش و سنجش هوش

پادشاهان کشورها با اعزام سفیران و فرستادگان مخصوص و پاسخ به معماها چیرگی علمی خود را نشان می دادند (ثعالبی، 1900: 622). در افسانه ها پاسخ دادن به چیستان و برنده شدن در آن چنان اهمیتی داشته که توانسته است جان اشخاص زیادی را نجات دهد؛ گاهی به واسطه پاسخ دادن به معماهای پادشاهان به مقامی بالا یا ثروتی هنگفت دست می یافته اند و گاه دختر پادشاه شرط پذیرفتن خواستگاریش را پاسخ دادن به معماهایش قرار می داده است (بهروزی، 1377: 132)؛ برای نمونه داستان دختر شاه روس در هفت پیکر نظامی (216-234) که خواستگار خود را با طرح معما به طریق آزمایش، از میان نیکنامان، هوشمندان، دلاوران و دانایان انتخاب می کند. در شاهنامه (1/ 176-186) هم آمده است منوچهرشاه شش چیستان از زال می پرسد و او به همه آنها جواب درست می دهد و بر موبدان و شاه مسلم می شود که از هوش سرشاری برخوردار است.

10. محتوای چیستان ها

چیستان ها از نظر جنس، ماده و مفهوم مورد سؤال، در شش گروه پدیده های طبیعی، جانداران، بی جان ها، رستنی ها (درختان، گیاهان و میوه ها)، مضامین انتزاعی و مضامین دینی جای می گیرند.

1- 10. پدیده‌های طبیعی

در این نوع چیستان‌ها، گوینده می‌کوشد مشخصات دور و نزدیک عناصر طبیعت را بپرسد. گویا پرسندگان در قالب چیستان و بازی با موضوع آفتاب، زمین، مهتاب، ستارگان، آب، هوا و دیگر مظاهر آفرینش قصد رازگشایی از تاریخ پیدایش انسان و هستی را دارند؛ از این حیث و به‌گونه‌ای دیگر، چیستان همان ماهیت اسطوره را درخود دارد.

آن جسم عجیب چیست که بر چرخ پدید است گهی پرده ماه است و گهی حاجب خورشید
(پاسخ: ابر)

آن چیست که گر آب بنوشد باید ز جهان چشم بپوشد؟
(پاسخ: آتش)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت که بی جان و رَد جاندار می‌گشت
(پاسخ: سایه انسان)

قالی خود بافته، گل به گل انداخته قدرت پروردگار، بین که چه سان ساخته
(پاسخ: آسمان پرستاره)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت درخت پرگلی بی سایه می‌گشت
(پاسخ: آسمان پرستاره)

عجایب جنگلی بی پایه دیدم عجایب چادری بی سایه دیدم
بدیدم صنعت پروردگارم دوتا سوداگر بی مایه دیدم

آن چیست که بیک عاشقان است مشاطه به زلف دلبران است
(پاسخ: آسمان و ماه و خورشید)

خندیدن گل به بوسه اوست رقص چمن از نوازش اوست
(پاسخ: نسیم)

2- 10. جانداران

شامل نام، رفتار و اعضای جانداران اعم از انسان و حیوان است:

کوزه بزرگ پنج‌منی تکیه مکن که می‌شکنی

- تکیه کردن ضرر داره خلق خدا خبر داره، چنیه؟
(پاسخ: زن حامله)
- اسبی دارم ابوالغازی زین و رکاب شیرازی اگر کنی با او بازی، آه و فغان ورناندازی او چنیه؟
(پاسخ: مار)
- عجایب صنعتی دیدم به دیده درش قفل و کلیدش کس ندیده
(پاسخ: بچه در شکم مادر)
- شیرپلنگ بی دم، نه جو خورد نه گندم، گشت زند بیابان، نفع دهد به مردم (پاسخ: زنبور عسل).

3- 10. بی جانها

- به معرفی مکانها، خوراک، پوشاک، اشیاء و ابزار می پردازد:
- چیست آن مرغ آتشین منقار که ندارد به آشیانه قرار
شب و روز، اندر آب می گوید رینا و قنا عذاب النار
(پاسخ: قلیان)
- رنگ سفید صخره ها، آید میان سفره ها هرکس نداند نام او، مزه ندارد کام او
(پاسخ: نمک)
- بلبل این باغم و این باغ گلزار من است مرغ آتشخواره ام پرسوختن کار من است
استخوانم نقره و اندر جگر دارم طلا، هرکه این معنی بداند پیر و استاد من است (پاسخ: شمع)،
آن چیست که گر آب بنوشد باید ز جهان چشم بیوشد
(پاسخ: آتش)
- عجایب صنعتی دیدم در این دشت که می نالید و می غرید و می گشت؟
(پاسخ: آسیاب)
- نوعروسی به ناز بسته میان که نه دست داره نه پای روان
وقت زاییدنش چنان زند شیبه که صدایش رود به کوهستان
بچه او بود چنان افعی که به هرکس خورد، ستاند جان
(پاسخ: تفنگ)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
به یک دم می‌خورد صد آدمی را

سرش در آب و دنبالش در آتش
سپس بیرون دهد ماه منقش

(پاسخ: حمام)

آن چه شاهی است که دایم در میان لشکر
است
چار پا دارد و دو دستش همیشه بر کمر
است

گاه بی تاج است و گاهی تاج شاهی بر سر است
گاهی از نافش روان آبی چو آب کوثر است

(پاسخ: سماور)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت

سرش را می‌بریند زنده می‌گشت

(پاسخ: قلم)

آن چیست بر لب دریا که آن را خر خورد
می‌رود راه سفید و می‌ریزد خون سیاه

گر به دست شاه افتد باج هفت کشور خورد
گر ز راه رفتن بیفتد خنجر بر سر خورد؟

(پاسخ: قلم نی)

عجایب خلقتی دیدم درین پل

که آب در زیر آتش می‌زند قل

(پاسخ: قلیان)

آن چیست که دو فصل کمیاب شود
چون گرم شود گریه کند تا میرد

گر آب‌تنی کند تنش آب شود
چون سرد شود زندگی از سر گیرد

(پاسخ: یخ)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت

که بیجان بر رد جاندار می‌گشت

(پاسخ: آساک کشاورز)

عجایب صنعتی دیدم در این دشت
به یک دم می‌خورد صد آدمی را

نهنگ آدمی خوار دهن‌کش
به یک دم می‌دهد ماه منقش

(پاسخ: حمام‌های قدیمی)

چیست آن دانه‌های بی پر و پوست که از آن می‌خورند دشمن و دوست
خواهی که بشناسی او را ای دانا او در آب است و آب دشمن اوست
(پاسخ: نمک)
عجایب صنعتی دیدم در این دشت که نر خوابیده بود و ماده می‌گشت
(پاسخ: آسیاب دستی)

4- 10. رستنی‌ها (درختان، گیاهان و میوه‌ها)

انواع گیاهان، درختان، بوته‌ها و میوه‌ها و خواص و ویژگی‌های آن‌ها را معرفی می‌کند:
چیست آن لعبت پسندیده سرخ و سبز و سپید پوشیده
در میان دو کاسه چوبین با دوصد احترام خوابیده
(پاسخ: پسته)
آن چیست که پا و سر ندارد گرد است و دراز و در ندارد
اندر شکمش ستارگان‌اند جز نام دو جانور ندارد
(پاسخ: خربزه)
زردم نه زردآلو، شفتم نه شفتالو در فصل زمستانم، در باغ بزرگانم
(پاسخ: زعفران)
آن چیست که برگ و ساقه‌هایی دارد در زیر زمین نشسته جایی دارد
گرد است و گُلوره (گرد)، تاجی بر سر از ریشه خود عجب عصایی دارد
(پاسخ: چغندر)
کدامین گنبد است که در ندارد کلید آهنی قفلش گشاید
هزاران بچه دارد در شکم بیش که هر بچه دوصد مادر بزاید
(پاسخ: هندوانه)
عجایب سبزی دیدم در این دشت که هر چه می‌بریدند زنده می‌گشت
(پاسخ: یونجه)
آن چیست که بو از گل نسرین دارد رنگ از رخ عاشقان مسکین دارد

- پوشیده قبا‌ی زرد اندر بر خویش بالای قبا جبه پشمین دارد
(پاسخ: به)
- عجایب صنعتی دیدم درین بر که بودش بوته‌ای، بالاش صد پر
هرآن کس نام او را تند گوید غلام او شود پور سکندر
(پاسخ: سپند)
- خودت گل، مادر ت گل، خواهرت گل به چهار باغت بیایم مثل بلبل
به چهار باغت بیایم گل بچینم عجب بوی خوشی داری تو ای گل
(پاسخ: قلم فر)

5- 10. مضامین انتزاعی

- اون چیه که همیشه پیش روی ماست ولی او را نمی‌بینیم (پاسخ: آینده).
اون چیه که زودتر از شوما داخل اتاق میشه (پاسخ: سلام).
اون چیه که از غسل هم شیرین‌تره (پاسخ: محبت).

6- 10. مفاهیم و موضوعات دینی

- چهار باغ و چهار تاغ و چهار ایوان بر سرش هرکه این معنی بداند پیر استاد من است
(پاسخ: دوازده امام)

11. نتیجه

1. چیستان‌های محلی جزئی از ادب عامه است که در مناطق مختلف ایران با نام‌هایی مانند چیزچیزک، متلوکه، واگوشک، تِشتانوک، چاچاک، چنچن، چوچه، چی‌چی‌کی، چاوچه، ماتال، مسئله، تاپماجالار و مانند آن شناخته می‌شود. در ادب رسمی، با نام لغز و معما در آثار شاعران نمود یافته است. چیستان و معما از یک نوع‌اند، جز اینکه چیستان بیشتر به شکل پرسش طرح می‌شود. چیستان چون به صورت استفهامی بیان می‌شود و بیشتر با کلمه مرکب «چیست آن» می‌آید، آن را در اصطلاح «چیستان» نامیده‌اند.

2. ویژگی‌های چستان‌ها عبارت‌اند از: نداشتن سازنده مشخص، کوتاهی، سادگی، روایت‌های مختلف، گوناگونی مخاطبان، همسویی با فرهنگ و اقلیم سازندگان، و بازتولید شکل‌های تازه همراه با نوآوری. طراح چستان می‌کوشد با توصیف‌های شاعرانه، اجزای عناصر حسی و مادی یک پدیده را مطرح کند یا با معرفی برخی ویژگی‌هایش، مخاطب را برای شناسایی آن به تلاش و تکاپوی فکری وادارد.
3. وزن چستان‌های منظوم محلی اغلب عروضی است و گاه هجایی که با کشش در خواندن کامل می‌شود. قالب چستان‌ها یا منظوم است، یا مثنوی. چستان مثنوی معمولاً عبارت‌های کوتاه، تک‌جمله‌ای یا چندجمله‌ای، تک‌بیتی یا دوبیتی، زنجیره‌ای و داستانی است. چستان منظوم نیز یا تک‌بیتی است، یا دوبیتی. ساختار چستان‌ها به‌لحاظ ادبی، سرشار از صناعات بدیعی و بیانی مانند تشبیهات عالی و ملموس و استعاره‌های دلنشین است. در برخی چستان‌ها، بازی‌های زبانی از جمله تکرار کلمات هم‌آوا و دشوار بر لطف آن می‌افزاید. ساخت برخی چستان‌ها توأم با تناقض (پارادوکس) است.
4. چستان‌ها از نظر زبان و بیان به چستان‌های ادبی و عامیانه و محلی تقسیم می‌شود. به‌لحاظ ساختار، هر چستان سه بخش دارد: یک یا چند موضوع، شرح یا تفسیر و خبری درباره آن، و پاسخ. پاسخ چستان‌ها اغلب یک کلمه یا به‌ندرت همراه شرحی کوتاه است. صورت چستان‌ها (شامل موضوع و شرح) به‌لحاظ ساختار دو دسته‌اند: چستان‌های سؤالی و خبری.
5. چستان‌ها کارکردها، نتایج و اهداف خاصی دارند؛ از جمله آموزشی و تربیتی، تحریک حس کنجکاوی، ایجاد سرگرمی و بازی، رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر جوابی، تبیین جهان‌بینی و گرایش‌های انسانی، و آزمایش و سنجش هوش.
6. محتوای چستان‌ها از نظر جنس، ماده و مفهوم مورد سؤال، در پنج گروه طبقه‌بندی می‌شود: پدیده‌های طبیعی، جانداران، بی‌جان‌ها، رستنی‌ها (درختان، گیاهان و میوه‌ها)، مضامین انتزاعی و مضامین دینی.

منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (1376). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. تهران: سروش.
- اسفندیارپور، هوشمند (1383). *عروسان سخن*. تهران: فردوس.

- امام اهوازی، محمدعلی (1379). *چیستان‌نامه دزفولی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (1384). «ادب شفاهی و زبان‌آموزی به کودک در فرهنگ مردم»، *فرهنگ مردم*، ش 12-13، صص 62-73.
- بهروزی، محمدجواد (1377). *چیستان در ادب فارسی*. شیراز: کانون تربیت شیراز.
- ثعالبی مرغنی، حسین (1900). *غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*. به کوشش زنتبرگ. پاریس.
- جعفری قنواتی، محمد (1392). *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. ج 1. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ادبیات شفاهی.
- حیدریان، محمد (1372). *چیستان‌ها*. مشهد: نوند.
- خلعتبری، مصطفی (1387). *فرهنگ مردم تنکابن*. تهران: پازینه.
- داد، سیما (1371). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- دیه‌جی، عبدالرحمن (1379). *مقدمه‌ای بر ادبیات عامه ترکمن*. تهران: پژوهنده.
- رادویانی، محمدبن عمر (1949). *ترجمان‌البلاغه*. به‌اهتمام احمد آتش. استانبول: چاپخانه ابراهیم.
- رسولی، غلامحسین (1378). *پژوهش در فرهنگ مردم پیرواران (ملایر)*. تهران: نشر بلخ.
- رضایی نورآبادی، علی‌عباس (1372). *فرهنگ عامه لک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- زنگویی، عبدالحمید (1390). *چیستان بیرجندی*. [منتشر نشده]
- سعیدی، سهراب (1387). *چیستان‌های هرمزگان*. قم: دارالتفسیر.
- سفیدگر شهنقی، حمید (1385). «ساختارشناسی فولکلور کودکان آذربایجان». *نجوای فرهنگ*. ش 1. صص 41-57.
- شادابی، سعید (1377). *فرهنگ مردم لرستان*. خرم‌آباد: افلاک.
- شرف‌کنندی، عبدالرحمان (1369). *فرهنگ کردی فارسی*. تهران: سروش.
- شعور، اسدالله (1367). *چیستان‌های شفاهی دری*. کابل: ریاست نشرات و اقوام و قبایل.
- شمس قیس رازی، محمد (1360). *المعجم فی معاییر اشعار المعجم*. تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی. چ 3. تهران: زوار.

- شمیسا، سیروس (1383). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: میترا.
- صوفی زاده، اسدالله (1373/1994). «چیستان و خصوصیت های آن». *نشریه مردم گیاه (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان)*. س 1، ش 1. تاجیکستان: دوشنبه.
- قزل ایلاغ، ثریا (1379). *راهنمای بازی های ایران*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- قنبری عدیوی، عباس (1385). *گفت و گفت*. شهرکرد: نیوشه.
- کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین (1369). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*. تهران: نشر مرکز.
- میربلوچزایی، اسحق (1382). *فرهنگ عامه مردم سراوان و بلوچستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- میرصادقی، میمنت (1373). *واژه نامه هنر شاعری*. تهران: کتاب مهناز.
- هادی، روح الله (۱۳۸۹). «چیستان» در *دانشنامه ادب فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۹۱). «چیستان و کاربردهای آن در برنامه سازی رادیویی». *فرهنگ مردم ایران*. ویژه برنامه سازی رادیویی و تلویزیونی. ش ۳۰. صص ۲۱۷-۲۳۹.
- هاشمی، سیدعلیرضا (1390). *چیستان: مقبول دیروز، مغفول امروز*. تهران: سروش.
- هدایت، رضاقلی خان (1383). *مدارج البلاغه*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- همایی، جلال الدین (1361). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: توس.
- همایونی، صادق (1371). *ملک عبیرآمیز (فرهنگ مردم فارس - سروستان)*. آستان قدس: به نشر.
- یوسفی، غلامحسین (1372). *برگ هایی در آغوش باد*. چ 2. تهران: علمی.
- یاسین (فرخاری)، احمد (1370). «سیری در ادبیات فولکلور افغانستان». *مجله (خیلواکی) ارگان نشراتی انجمن نویسندگان افغانستان آزاد*. س 6، ش 5. پاکستان، پشاور.